

دعای روز بیست و دوم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَ وَقِّفْنِي فِيهِ
لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَ أَسْكِنِّي فِيهِ بُحْبُوحَاتِ جَنَّتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ:

ای خدا در این روز به روی من درهای فضل و کرمت را بگشا و بر من
برکاتت را نازل فرما و بر موجبات رضا و خوشنودیت موفقم بدار و در وسط
بهشت‌هایت مرا مسکن ده، ای پذیرنده دعای مضطر پریشان.

ترجمه منظوم دعا

ای خدا بگشا در این ماه شریف	چون کریمی و بزرگی کار توست
گر تو بگشایی خوشا بر حال من	اندر این مه کن تو نازل بر عباد
کن موفق تا فراهم آورم	راه تحصیل رضایت را نشان
مس‌تقیمم دار هنگام عمل	ساکنم بنما در این ماه عزیز
ای خدا کن این دعا را مستجاب	یا مجیب الدعوه المضطر فی
بر من از درهای فضلت یا لطیف	باب فیضت باز کن بر این نحیف
ور ببندی وای بر بخت سخیف	رحمت با برکت در این مضمیف
باعث خوشنودیت را این ضعیف	ده خدایا بر من خوار و خفیف
در طریق شرع و این دین حنیف	در میان عین جنات نظیف
حق بیت و زمزم وهم حجر و خیف	کل وقت من ربیع او خریف

فقره اول: گشایش درهای فضل الهی

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ:

ای خدا در این روز به روی من درهای فضل و کرمت را بگشا.
فضل در قرآن و معارف اسلامی به دو معنا به کار رفته است:

۱. بخشش

فضل به معنای بخشش، به بخششی گفته می‌شود که انجام آن بر بخشش‌کننده لازم و واجب نیست؛

احسان و رحمت و عطایی که خدا بر بندگان می‌کند، بر خداوند لازم نیست؛ بلکه از روی لطف و کرم است؛ بنابراین به آن فضل گویند که زیادت است و گرنه بندگان حقی در نزد خدا ندارند. نزدیک به ۹۰ مورد در قرآن فضل و رحمت پروردگار آمده است.

چیزهایی که موجب می‌شود انسان مشمول فضل و لطف الهی گردد، بندگی خالصانه و اطاعت از دستورات خداوند و دعا و اظهار خضوع و انکسار در پیشگاه حق تعالی است و هرچه این اعمال صاف‌تر و خالص‌تر باشد، قابلیت آدمی برای دریافت نزول رحمت و فضل خداوند بیشتر می‌شود و به همین دلیل انبیا، اولیاء و بندگان مقرب و صالح خداوند بهره بیشتری از فیض و احسان الهی دارند. در باب لطف و فضل حضرت حق در دعای جوشن کبیر آمده که «یا من فضله عمیم»؛ یعنی فضل و احسان و بخشش پروردگار اختصاص به گروه ویژه‌ای ندارد؛ بلکه فضل خداوند همه را در بر گرفته است.

فضل و رحمت خدا همچون باران بر همگان سرازیر است و همه انسان‌ها و بلکه همه موجودات از این فیض بی‌کران برخوردارند؛ ولی هرچه زمینه برای دریافت فیض فراهم‌تر باشد، بهره‌مندی از آن بیشتر خواهد بود.

۲. برتری

«فضل» به معنای برتری در چند جای قرآن به کار رفته است. قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ»^۱: خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد.

در این آیه ملاک برتری، برتری مادی است.

در آیات دیگر خداوند به برتری معنوی اشاره دارد و می‌فرماید:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدُ»^۲: و ما به داود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ [ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم:] ای کوه‌ها

۱. نحل: ۷۱.

۲. سباء: ۱۰.

و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم.

همچنین خداوند می‌فرماید:

«وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا»^۱ ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ و به داوود زبور بخشیدیم.

یا می‌فرماید:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ»^۲ و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم و آنان گفتند: ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.

اما آنچه در این روز از خداوند طلب می‌کنیم: «اللهم افتح لی فیہ ابواب فضلک»؛ مراد روزه‌دار از فضل، به معنای عطیه و بخشش است؛ یعنی به ما عطیه و بخششی مرحمت فرما که آن بخشش، فراتر از استحقاق ما باشد؛ چون انسان استحقاق فضل خدا را ندارد.

خداوند درباره فضل خود به بندگان می‌فرماید:

«فَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۳ اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، از زیان‌کاران بودید.

فضل در این آیه و آیات مشابه آن، به معنای بخشش فراتر از استحقاق فرد می‌باشد. در دعای قنوت نیز می‌خوانیم:

«إِلَهِي عَامِلِنَا بِفَضْلِكَ وَلَا تُعَامِلِنَا بِعَدْلِكَ»^۴ خدا با فضلی که فراتر از استحقاق ما باشد، با ما رفتار کن.

خلقت انسان بلااستحقاق بود. خدا ما را آفرید و همچنین هیچ یک از عبادت‌های ما استحقاق بهشتی شدن را ندارد؛ بنابراین اگر خدا انسان را به بهشت ببرد، با فضل و بخشش خود می‌برد.

در برابر عبادت، دو چیز قرار دارد: یکی نعمت و دیگری معصیت؛ یعنی از طرفی ما غرق نعمت‌های خدا می‌باشیم و از سوی دیگر غرق در معصیت‌های خویش هستیم.

۱. اسراء: ۵۵.

۲. نحل: ۱۵.

۳. بقره: ۶۴.

۴. ملا صالح مازندرانی؛ شرح اصول کافی؛ ج ۱۰، ص ۱۹۱.

عبادت انسان در برابر نعمت خداوند و نیز در برابر معصیت‌هایی که انجام داده‌ایم، ناچیز است و نمی‌تواند کفاره آن باشد؛ پس هر چه وجود دارد فضل خداست، نه عدل خدا.

عوامل برخورداری از فضل الهی

۱. ایمان

ایمان، موجب برخورداری از پاداش و فضل الهی می‌شود.

خداوند می‌فرماید:

«لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ»^۱ تا [خدا] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به فضل خویش پاداش دهد که او کافران را دوست نمی‌دارد.

بنابراین فضل و رحمت خداوند نصیب مؤمنان صالح می‌شود و خداوند مواهب زیادی که شایسته فضل و کرم اوست، به آنها می‌بخشد.

۲. تقوا

خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد و گناهانتان را از شما می‌زداید و شما را می‌آمزد و خدا دارای بخشش بزرگ است.

۳. دعا

خداوند در مورد نقش دعا در بهره‌مندی از فضل خود می‌فرماید:

«وَ لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^۳ زنهار، آنچه را خداوند به [سبب] آن، بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده، آرزو نکنید. برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان

۱. روم: ۴۵.

۲. انفال: ۲۹.

۳. نساء: ۳۲.

[نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند، بهره‌ای. و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر چیزی داناست.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ، وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»: ^۱ از ناحیه فضل خدا، از او درخواست کنید و [بدانید که] برترین عبادت، انتظار فرج است.

ع. اطاعت

اطاعت از خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سبب محشورشدن با نیکان و بهره‌مندی از فضل خدا می‌شود. خداوند می‌فرماید:

«وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا * ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا»: ^۲ و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران، راستان، شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند. این تفضل از جانب خدا می‌باشد و خداوند داناست.

فقره دوم: درخواست برکت از خدا

وَأَنْزَلَ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ:

و بر من برکاتت را نازل فرما.

ماه رمضان، ماه با برکت

در تمام سال، ماهی به عظمت ماه پربرکت رمضان نیست؛ زیرا ماهی است که خداوند آن را برای اهدای بالاترین هدیه خود به جهان بشریت؛ یعنی «قرآن مجید» برگزیده است.

از سوی دیگر رمضان ماهی است که شب قدر در آن واقع شده، شبی که مقدرات یکسال انسان‌ها (برحسب شایستگی‌ها و لیاقت‌هایشان) تعیین می‌شود و عبادت آن برتر از عبادت هزار ماه است: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ».

از دیگر سوی رمضان، بهار عبادت و ماه تعلیم و تربیت، ماه طهارت و پاکی و ماه تقوا و خودسازی است؛ ماهی که مراحل قرب الهی و سیر و سلوک الی الله را با گام‌های سریع و استوار می‌توان پیمود.

۱. سنن ترمذی؛ ج ۵، ص ۵۶۵.

۲. نساء: ۶۹-۷۰.

در اهمیت این ماه همین بس که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آستانه ماه مبارک رمضان طی خطبه‌ای چنین فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبِرَّةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ، وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ، وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ»^۱: ای مردم! ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت به شما روی آورده؛ ماهی که نزد خدا برترین ماه‌هاست، روزهایش برترین روزها و شب‌هایش برترین شب‌ها و ساعاتش برترین ساعات است.

خوشبخت و سعادت‌مند کسانی هستند که ارزش والای این ماه را بشناسند و از برکات بی‌پایان آن بهره‌گیرند و مشکلات معنوی و مادی خود را به برکت روزه‌ها و عبادات در این ماه حل کنند.

البته برای بهره‌گیری بیشتر از برکات مادی و معنوی و آثار و ثواب‌های ماه مبارک رمضان، نباید تنها به روزه گرفتن بسنده کرد؛ بلکه باید از گناهان اجتناب کرد و با خودسازی و مراقبت و دوری از آلودگی‌ها، جان خویش را در معرض وزش نفحات رحمانی و عنایات ویژه سبحانی قرار داد.

از جمله عواملی که موجب نزول برکات خداوند متعال بر بندگان می‌شود، ایمان و تقوی است.

قرآن کریم این دو را عامل نزول برکت دانسته و می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ»^۲: اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند، ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم.

از جمله عوامل دیگر در نزول برکات الهی را می‌توان شکر نعمت‌ها و گسترش عدالت در جامعه مطرح نمود:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۳: اگر شکر نعمت به جای آرید، بر نعمت شما می‌افزاییم و اگر کفران کنید، شما را به عذاب شدید گرفتار می‌کنیم.

فقره سوم: رضایت الهی

وَ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ:

۱. بحارالانوار؛ ج ۹۶، ص ۳۵۶.

۲. مفردات راغب؛ کلمه برکت.

۳. میزان الحکمه؛ ج ۱، ص ۴۱۱.

و بر موجبات رضا و خوشنودیت موفقم بدار.

توفیق در آیات و روایات

در آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام هم به توفیق الهی اشاره شده است:

«وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ»^۱ و از خدا در هر کار توفیق می‌طلبم.

«توفیق و موافق قراردادن همه اسباب و وسایل خارجی تنها از جانب خداوند متعال امکان‌پذیر است؛ زیرا کسی را چنین نیروی فراگیر و کاملی نیست که بتواند در هر موردی که می‌خواهد همه اسباب و مسائل مادی و معنوی را موافق سازد»^۲.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«قَلِيلُ التَّوْفِيقِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَقْلِ»^۳: اندکی توفیق بهتر است از عقل بسیار.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«أَجَلٌ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ التَّوْفِيقُ»^۴: باارزش‌ترین چیزی که از آسمان فرو می‌آید،

توفیق است.

و همچنین به طلب توفیق از خداوند متعال در بعضی روایات سفارش شده:

حضرت علی علیه‌السلام: «عِبَادَ اللَّهِ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي التَّوْفِيقِ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ وَثَبُّ»^۵: ای بندگان خدا از خداوند، توفیق طلب کنید؛ زیرا توفیق بنیادی استوار است.

عوامل جلب توفیق الهی

آنچه مهم است، خواست حقیقی و اراده مصمم فرد و قدم برداشتن برای انجام کار خیر است، نه صرف علاقه به انجام آن عمل. اگر انسان اراده حقیقی و عزم جزم برای انجام کاری داشت و قدم اولیه را نیز برداشت، آنجاست که توفیق الهی رفیق او شده و او را در برداشتن قدم‌های بعدی یاری خواهد فرمود؛ اما اگر در گوشه‌ای نشست و تنها آرزوی انجام عملی را نمود، نباید انتظار کمک و یاری الهی را داشته باشد.

در سوره هود آیه ۸۸ از زبان حضرت شعیب علیه‌السلام می‌خوانیم که خطاب به قوم خود می‌فرمایند: من یک هدف بیشتر ندارم و آن اصلاح شما و جامعه شماست تا آنجا که در قدرت دارم:

۱. هود: ۸۸.

۲. مصطفوی؛ تفسیر روشن؛ ج ۱، ص ۲۸۵.

۳. همان.

۴. میزان الحکمه؛ ج ۱۴، ص ۶۹۵، ح ۲۲۲۲۸ و نهج الفصاحه؛ ابراهیم احمدیان؛ ح ۲۰۹۷.

۵. همان؛ ح ۲۲۲۳۸.

«إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ».

این همان هدفی است که تمام پیامبران آن را تعقیب می‌کردند.

نکته قابل توجه در آیه این است آنچه که زمینه‌ساز دریافت توفیق الهی ذکر شده است:

۱. اراده و خواست قلبی و محکم؛

۲. طالب اصلاح بودن؛

۳. به کارگیری تمام توان و قدرت و استطاعت می‌باشد.

بنابراین باید بدانیم که اراده کارها از ما و میزان توفیق بسته به جدیت اراده ما از

خداوند است و اینکه هدف باید اصلاح باشد.

ما در این راه موظفیم آخرین تلاش خود را به کار گیریم و در عین حال بدانیم که

موفقیت تنها به دست خداوند است.

راه کار اصلی کسب رضایت الهی

راه کار اصلی کسب رضایت الهی، انجام وظایف شرعی است.

مراد از وظایف شرعی اساسی‌ترین و مهم‌ترین آن است؛ یعنی انجام واجبات و ترک

محرمات.

امام سجاده علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ»^۱:

هر کس به آنچه که خدا بر او واجب کرده، عمل نماید، او از بهترین مردم می‌باشد.

واضح است کسی که با فعل واجبات و ترک محرمات بهترین مردم شده باشد، از

منظر خدای سبحان و ائمه هدی علیهم السلام پسندیده‌ترین مردم است.

مرتبه بعدی کسب رضایت الهی، انجام مستحبات و ترک مکروهات است. سالک با

رسیدن به این مقام به وادی عشق و محبت حق وارد می‌شود و از محبین و بلکه

محبوبین او خواهد بود.

رضایت فاطمه علیها السلام، موجب رضایت خداست

حب و بغض معصومین علیهم السلام که از جمله آنها فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد، در بسیاری

از روایات مورد تاکید قرار گرفته است؛ به طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی

فرمودند: «خدا یا! تو خود شاهد باش که من دوست دار آن کسی هستم که آنها را دوست

بدارد و دشمنم با آن که آنها را دشمن می‌دارد»^۲.

۱. بحار الانوار؛ ج ۷۱، ص ۱۹۵ به نقل از سرالاسراء؛ علی سعادت پرور؛ ج ۲، ص ۶۵.

۲. بحار الانوار؛ ج ۴۳، ص ۲۵.

اما به طور خصوص در مورد محبت فاطمه علیها السلام روایتی نقل شده که دلالت بر عظمت مقام آن بانوی یگانه می‌کند.

از حضرت سلمان نقل شده که رسول خدا درباره محبت فاطمه فرمودند:

«يَا سَلْمَانَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ يَا سَلْمَانَ حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مِائَةِ مِنَ الْمَوَاطِنِ أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْحَشْرُ وَالصِّرَاطُ وَالْمُحَاسَبَةُ فَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ ابْنَتِي رَضِيَتْ عَنْهُ وَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ غَضِبْتُ عَلَيْهِ وَمَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلِمُ بِعَلَّهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُ ذُرِّيَّتَهَا وَشَيْعَتَهَا»^۱

ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد، او در بهشت و کنار من خواهد بود و هر کس او را دشمن بدارد، گرفتار آتش می‌شود. ای سلمان! علاقمندی به فاطمه در صد جا به درد می‌خورد: از جمله آنها: هنگام مرگ، عالم برزخ، دریای میزان، عرصات محشر، پل صراط و محاسبه‌ی اعمال. ای سلمان! وای بر کسانی که به او ظلم کنند و وای بر آنان که به شوهر او جفا نمایند؛ حتی وای بر ستمگرانی که به فرزندان و شیعیان وی ستم کنند.

هدف ما جلب رضایت خداست

همه فروشنندگان و صنعت‌گران در تبلیغات تولیدی خود می‌نویسند: «هدف ما جلب رضایت شماست»؛ ولی چه می‌شود بر درب مغازه‌ها نوشته شود: «هدف ما جلب رضایت خداست».

«مَنْ طَلَبَ مَرْضَاةَ النَّاسِ بِمَا يُسْخِطُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَانَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ دَامًا وَمَنْ آثَرَ طَاعَةَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِمَا يُغْضِبُ النَّاسَ كَفَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَدَاوَةَ كُلِّ عَدُوٍّ وَحَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ وَبَغْيَ كُلِّ بَاغٍ وَكَانَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ نَاصِرًا وَظَهِيرًا»^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: کسی که برای خشنودی مردم خدا را به غضب درمی‌آورد، در این صورت حتی ستایش‌گران او نیز این فرد را مذمت می‌کنند؛ چون رضایت خدا را فروخته و رضایت مردم را خریده و آثار وضعی آن دوری از عنایت خداست، در این حالت رضایت مردم تبدیل به خشم می‌شود؛ مثلاً رأی‌دهندگان به او تبدیل به مخالفین می‌شوند.

۱. فراتدالسمطین؛ ج ۲، ص ۶۷، ش ۳۹۱.

۲. إرشاد القلوب إلى الصواب؛ ج ۱، ص ۱۷۹.

گاهی رضایت مردم در طول رضایت خداوند قرار دارد. چه زیباست که انسان هم رضایت خدا و هم رضایت خلق خدا را به دست آورد؛ مثلاً پدر و مادر به فرزند خود توصیه مشروع می‌کنند؛ انجام این امر هم رضایت خدا و هم رضایت خلق خدا را به دنبال دارد؛ ولی گاهی رضایت خلق با رضایت خداوند در تضاد است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^۱ در جایی که معصیت خداوند را به دنبال داشته باشد، طاعتی برای مخلوق نیست. در صورتی که اطاعت کردن مخلوق با اطاعت خالق در تضاد باشد، باید رضایت خدا در نظر گرفته شود. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بُوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۲ اگر پدر و مادر مشرک باشند و تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوند که به آن علم نداری، از آنها پیروی نکن.

فقره چهارم: درخواست بهترین جاهای بهشت

وَأَسْكِنِي فِيهِ بُحُبُوحَاتِ جَنَّاتِكَ:

و در وسط بهشت‌هایت مرا مسکن ده.

خدایا من را در وسط بهشت ساکن کن، شاید وسط بهشت محل سکونت اولیاء الهی است که آن را از خدا درخواست می‌کنیم. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَاءَ»^۳ نفس شما، بهایی غیر از بهشت نیست؛ پس نفس خود را به غیر از بهشت نفروشید.

ضمانت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای بهشت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من ضامن خانه‌ای در اطراف بهشت و خانه‌ای در وسط بهشت و خانه‌ای در بالای بهشت هستم:

۱. برای کسی که جدال را ترک کند؛ اگرچه بر حق باشد.

(جدال و دعوا کردن قلب را سیاه و مکدر می‌کند؛ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توصیه فرموده‌اند که دعوا را ولو بر حق باشیم، ترک کنیم).

۱. أمالی صدوق؛ ص ۳۷۰.

۲. عنکبوت: ۸.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۳۲.

۲. برای کسی که دروغ را ترک کند؛ اگرچه از روی شوخی باشد.
(دروغ از گناهان کبیره است و در روایاتی توصیه شده‌ایم که حتی به شوخی هم دروغ نگوییم که آن هم تأثیرات منفی بر روح و جان انسان می‌گذارد).
۳. برای کسی که اخلاق خوب داشته باشد.^۱

(اخلاق حسنه بسیار سفارش شده است تا جایی که در برخی روایات آمده است که اخلاق خوب، باعث رفع فشار قبر و عذاب در قبر می‌شود).

دوستان عزیز بیاییم با همدیگر قرار بگذاریم و به این سه سفارش رسول خدا ﷺ توجه کرده و عامل باشیم تا هم رضایت خداوند و هم رضایت رسول خدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام را جلب نماییم.

حضرت مولی‌الموحدين فرمود:

«تَرَكَ الذَّنْبَ شَدِيدًا وَ أَشَدُّ مِنْهُ تَرَكَ الْجَنَّةَ»: ^۲ ترک کردن گناه سخت، و سخت‌تر از آن، ترک کردن بهشت است.

راه کار بهشتی شدن

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «شما شش چیز را از من بپذیرید و به آن عمل کنید، در مقابل من روز قیامت شما را بهشت خواهم برد و آن را برای شما ضمانت خواهم کرد:

۱. در هنگام حرف زدن، دروغ نگویند.
۲. در امانت [مال و ثروت یا راز مردم و یا حتی امانت الهی] خیانت نکنید.
۳. هرگاه وعده‌ای دادید، خلف وعده نکنید.
۴. شهوت‌رانی نکنید.
۵. چشم خود را کنترل کنید که آنچه را نباید ببیند، نبیند.
۶. مواظب دست و زبان خود باشید.^۳

فقره پنجم: برآورده کننده دعای مضطربین

يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ:

ای اجابت کننده دعای پریشانان.

۱. خصال: ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۱۸۷.

۳. خصال صدوق؛ ج ۱، ص ۲۵۳.

خداوند اجابت‌کننده درماندگان است

در عبارت پایانی دعای امروز می‌خوانیم: **يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ**. ای خدا! روی حاجتم با توست، تویی که دعای شخص درمانده و ناچار را اجابت می‌کنی و راستی جز خدا چه کسی است که در هنگام درماندگی ما را اجابت کند: **«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»**.^۱

اضطرار چیست؟ مضطر کیست؟

اضطرار حالتی درونی است و زمانی به وجود می‌آید که انسان هیچ وسیله و پناهگاهی برای حل مشکل خود ندارد و دستش از همه راه‌های طبیعی کوتاه شده است، در این حالت درونش او را به یک وسیله معنوی راهنمایی می‌کند و به وسیله آن، امید و نجات پیدا می‌کند. دل انسان در حالت اضطرار به گونه‌ای به خداوند متصل می‌شود که آدمی با تمامی وجودش خدا را می‌بیند و صدایش می‌زند. در روایتی آمده است که مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و گفت:

یابن رسول‌الله! خداوند را به همان گونه‌ای که هست، به من معرفی کن. حضرت فرمودند: آیا تا به حال سوار کشتی شده‌ای؟

جواب داد: بله.

- آیا کشتی تو شکسته است، به گونه‌ای که نه کشتی دیگری باشد و نه شناگری که تو را نجات دهد؟

- بله.

- آیا در آن حالت قلبت به چیزی مرتبط نشده که قدرت داشته باشد تا تو را از این مهلکه نجات دهد؟

- بله.

حضرت فرمودند: این همان خدایی است که بر نجات و فریادرسی قدرت دارد، در جایی که هیچ نجات‌دهنده و فریادرسی نیست.^۲

این از ویژگی‌های انسان است که هنگام گرفتاری به یاد خدا می‌افتد و در همه حال او را صدا می‌زند؛ اگر چه ممکن است بعد از رفع مشکل، دوباره خدا را فراموش کند. **«وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ»**.^۱ و هنگامی که به انسان ناراحتی برسد، ما را در حالی که

۱. زمر: ۸.

۲. فیض کاشانی؛ نوادر الاخبار؛ ص ۵۷، ح ۱.

به پهلو خوابیده، یا نشسته یا ایستاده است، می‌خواند؛ اما هنگامی که ناراحتی او را برطرف کردیم، چنان می‌رود؛ مثل اینکه هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده، نخوانده است.

آری، هنگامی که امواج بلاها، سختی‌ها و حوادث دردناک انسان را احاطه کرد و دست او از همه جا کوتاه شد، حجاب‌هایی که جان او را فرا گرفته بود، کنار می‌رود و با تمام وجود خدا را می‌بیند و با اخلاص فراوان او را می‌خواند.

رابطه اضطراب و اجابت دعا

از آیه محل بحث می‌توان دریافت که برای اجابت دعا، تحقق دو شرط لازم است:

۱. انسان به حد اضطراب و درماندگی برسد: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ».
۲. انسان از تمام اسباب مادی ناامید شود و با تمام وجود، فقط خدا را بخواند: «إِذَا دَعَاهُ».

در این حالت، انسان ارتباط قوی و محکمی با خدا پیدا می‌کند. اگر در دعا صادق باشیم، بدانیم که پروردگار اجابت می‌کند. در دعا صادق بودن؛ یعنی حقیقتاً بخواهد و فقط او را صدا بزند. اگر چنین شد، خداوند متعال آنچه او را به اضطراب کشانده، برطرف و دعای او را مستجاب و گرفتاری او را برطرف می‌کند: «وَيَكْشِفُ السُّوءَ».

مصادیق آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ...» کیست؟

از مصادیق بارز این آیه، مردمی هستند که با تحمل همه سختی‌ها و گرفتاری‌ها، زمینه حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه را فراهم می‌کنند.

در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «بعد از من خلفایی می‌آیند و پس از آن امیرانی می‌آیند و بعد از آن پادشاهانی می‌آیند و پس از آن جبارانی می‌آیند؛ سپس مردی از خاندان من قیام می‌کند و زمین را پر از عدل می‌کند، همان‌طور که از ظلم پر شده بود».^۲

در حدیث دیگری نیز چنین آمده است: «در آخر الزمان از جانب حاکمان، بلای شدیدی بر امت من نازل می‌شود که شدیدتر از آن شنیده نشده است، تا اینکه سرزمین پهناور بر آنها تنگ می‌شود و زمین پر از ظلم و جور می‌شود. مؤمنان هیچ پناهگاهی از

۱. یونس: ۱۲.

۲. متقی هندی؛ کنز العمال؛ ج ۱۴، ص ۲۶۵، ح ۳۸۶۶۷.

این ظلم نمی‌یابند تا بدان پناه برند؛ پس خداوند مردی از خاندان مرا برمی‌انگیزد تا زمین را از قسط و عدل پر کند، همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده بود...»^۱
 در حالت عادی، مردم وقتی خواهان عدالتند که اجرای آن به نفع خودشان باشد و در جایی که عدالت برای آنها ضرر داشته باشد، پذیرای آن نیستند؛ اما زمانی که با تمام وجود طعم ظلم را چشیدند، از دل و جان در همه شرایط، عدالت را می‌پذیرند. فراهم‌شدن این آمادگی نیز کار آسانی نیست.

حضرت مهدی علیه السلام نیز در نامه خود به محمدبن عثمان، مردم را به دعا برای تعجیل فرج ترغیب کرده و فرموده‌اند:

«برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید؛ چون همین دعا موجب فرج شماست»^۲
 وجود مبارک آن حضرت نیز از مصادیق مضطربانی هستند که با مشاهده ضعف و خواری مسلمانان و ظلم ستمگران به آنها، در مقدس‌ترین مکان روی زمین دست به دعا برمی‌دارد و تقاضای کشف سوء می‌کند. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«این آیه در مورد قیام‌کننده‌ای از آل محمد صلی الله علیه و آله است به خدا سوگند! او همان مضطرب است؛ هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می‌خواند و با دست به سوی خدا دعا می‌کند؛ پس خداوند به او جواب می‌دهد و ناراحتی‌اش را برطرف می‌کند و او را در زمین خلیفه قرار می‌دهد»^۳.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نیز چنین آمده است:

«به خدا سوگند! گویا من به سوی قائم می‌نگرم، در حالی که پشتش را به حجرالاسود زده و خدا را به حق خود می‌خواند... سپس فرمود: به خدا سوگند مضطرب در کتاب خدا در آیه "أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ... " اوست»^۴.

«اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنَّا السُّوءَ وَ عَجِّلْ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ اجْعَلْنَا انصَارَهُ وَ اعْوَانَهُ، آمِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ».

۱. همان؛ ص ۲۷۵، ح ۳۸۷۰۸.

۲. لطف الله صافی گلیایگانی؛ منتخب الاثر؛ ص ۲۲۳.

۳. عروسی حویزی؛ تفسیر نور‌القلین؛ ج ۴، ص ۹۴.

۴. همان.